

نگاهی به

شرح کهن مثنوی معنوی

معرفی و گزارشی از «معرفی و نقد و تحلیل شروع مثنوی»

یوسف بیگ باباپور*

گر شود پیشه قلم، دریا میدید
مثنوی را نیست پایانی امید
(۲۲۴۷/۶)

نگاهی به شروع کهن مثنوی معنوی

به قول استاد فرزانه و دانشمند جناب آقای دکتر شفیمی کدکنی «مثنوی معنوی جلال الدین مولوی، بزرگ‌ترین حماسه روحانی بشریت است که خداوند برای جاودانه کردن فرهنگ ایرانی آن را به زبان پارسی هدیه کرده است و هنوز بشریت در نخستین پله‌های شناخت این اثر ژرف و بی‌همتاست». اگر در هر سالی شرحی جامع و کامل بر این کتاب نوشته شود باز هم میدان تحقیق همچنان باز است و تشنگان این وادی جویای گزارش‌های بیشتر و بیشترند.^۲

آری، تألیف صدها شرح و تلخیص و ترجمه به زبان‌های فارسی، ترکی، اردو و ده‌ها زبان دیگر دنیا که امروزه نسخ خطی فراوانی از آنها در کتابخانه‌های مختلف دنیا موجود است، نمودار گوشه‌ای از عظمت این کتاب عظیم و پر قدر است که به حق لقب «قرآن فارسی» یافته است.

اشعار مولانا چه در مثنوی و چه در غزلیات شمس آکنده و آمیخته با رموزات عرفانی و اسرار ملکوتی است و از همان آغاز تولد و سرایش الهام و اذهان بسیاری از پاران و مریدان مولانا را



معرفی و نقد و تحلیل شروع مثنوی، رضا شجری، چاپ اول،

امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶

* عضو هیأت علمی دانشگاه.

۱. اماله «مداد» است.

۲. کریم زمانی، شرح جامع مثنوی معنوی، مقدمه، ص ۱۵ (چاپ اول، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲).

انوار، خواجه ابوالوفا خوارزمی (م ۸۳۵ ق)، کمال الدین (تاج الدین) حسین خوارزمی (م ۸۴۰ ق) می توان مشاهده کرد.^۹ در حقیقت کوشش برای شرح مثنوی نیز از همین کمال الدین حسین خوارزمی شروع می شود. دو شرح منظوم و منثور او بر مثنوی به نام های کنوز الحقائق و جواهر الاسرار و زواهر الانوار به اعتباری اوکین شروع منظم و منسجم بر مثنوی به حساب می آیند. از کنوز الحقائق جز قسمت هایی برجای نمانده، اما جواهر الاسرار او منبع بسیاری از شارحان و محققان مثنوی بوده است، ولو آنکه شارح توانسته تنها سه دفتر را شرح کند.^{۱۰} درباره این شروع به تفصیل سخن خواهد رفت.

به دنبال خوارزمی، نظام الدین محمود شیرازی معروف به شاه داعی، شاعر و عارف بزرگ قرن نهم (۸۱۰-۸۷۰ ق) حاشیه یا شرحی بر مثنوی نوشت که هلی رهم کاستی ها و نارسایی هایی که در آن مشاهده می شود، درخور تحسین و توجه است. وی نیز مانند خوارزمی پیرو مکتب محیی الدین عربی است و از منظر آن عارف بزرگ به شرح پاره ای از مشکلات مثنوی پرداخته است.^{۱۱} شاه داعی نیز قبل از این شرح هجده بیت از ابیات مثنوی را شرح می کند و سپس آن را ضمیمه شرح خود می سازد.

البته نمی توان از کوشش های مولانا یعقوب چرخس (م ۸۵۱ ق) و مولانا عبدالرحمن جامی (م ۸۹۸ ق) نیز در این قرن چشم پوشی کرد. چرخس از مشایخ فرقه نقشبندیه است و مثنوی در میان پیروان این فرقه همواره به دیده عظمت و احترام نگریسته می شده است. او به خواهش برخی اصحاب به شرح دیباچه مثنوی و

به خود جلب کرد و طبق آنچه از مکتوبات مولانا و فییه ما فییه او برمی آید و نیز آنچه افلاکی در مناقب العارفین بارها بدان اشاره کرده، مولانا در زمان حیات پربرکت خود آنچه اذهان و افهام كافة انام از این رموزات در بهره اندوزی دچار مشکل می شد، با کلام جان بخش خویش کلام مثنوی را تفسیر و تبیین می نمود و ایشان بارها در فهم ابیات و معانی رمزآلود مثنوی به مولانا مراجعه می کردند.^۳

پس از مولانا و سلطان ولد که در شرح مثنوی آثار و تقریراتی از خویش به یادگار نهاده اند، قدیمی ترین شرح درباره مثنوی شرح احمد رومی از مریدان سلطان ولد و فرزندش عارف چلبی است که فروزانفر از آن خبر داده و دو نسخه از آن را در دست داشته است.^۴ این شرح که به قول زرین کوب شرح درخور ملاحظه ای نیست،^۵ در سال ۷۲۰ ق تألیف شده است. بعد از این شرح، نشانی و اثری از شرح و تفسیر درخور بر مثنوی تا حدود دو قرن به دست نیامده است.

پس از درگذشت مولانا توجه به آثار او و کوشش در شناخت شخصیت معنوی و عرفانی او به خصوص در حوزه پاران مولانا در قونیه بیشتر شد؛ لذا نخستین کوشش ها نیز در همان قونیه صورت گرفت. فریدون سپهسالار (۶۲۹-۷۱۹ ق) که به قول خود چهل سال به مولانا خدمت کرده بود، در کتابی فارسی به ذکر مناقب و احوال مولانا پرداخت. افلاکی نیز حدود پنجاه سال بعد از مولانا (۷۱۸ ق) مناقب العارفین را در ذکر مناقب و احوال و کرامات مولانا از کودکی تا رحلت نگاشت. این کتاب هلی رهم حکایات مبالغه آمیزی که دارد، در بین دوستداران مولانا محبوبیت و شهرت زیادی پیدا کرد، به طوری که بارها از سوی پیروان مکتب مولانا تلخیص و ترجمه شده است، برای نمونه صابونی خلاصه از آن را با نام ذواق المناقب به علاقه مندان عرضه کرده. محمود مثنوی خوان نیز ترجمه ای از آن صورت داده است که به ذواق محمود مثنوی خوان مشهور بوده است.^۶

قدیمی ترین آثاری که می توان نامی از مولوی یا اشعاری از او را در آنها یافت، آثار علاءالدوله سمنانی (۷۳۵ ق) و شیخ نصیر الدین چراغ دهلی (۷۵۷ ق) و میر سیدعلی همدانی (۷۸۵ ق) است. علاءالدوله سمنانی در پاسخ شخصی که از او پرسیده است «مولانای رومی چگونه کسی بوده» گفته است: «من هرگز سخن او نشنودم که وقت من خوش نشده است». ۷ دو بیت از مثنوی در ملفوظات شیخ نصیر الدین چراغ دهلی و چند بیت از غزل مولانا در ذخیره الملوک میر سیدعلی همدانی نیز آمده است.^۸ بیشترین علاقه به مولانا و اشعار او را در شعر و آثار بزرگان قرن نهم مانند قوام الدین سنجان (م ۸۲۰ ق)، شاه قاسم

۳. رک: مولوی، مکتوبات، ص ۷ و فییه ما فییه، ص ۵۶ و ۱۴۳ (ویرایش جعفر مدرس صادقی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲) مجلسی، ص ۷۷ و ... (توفیق هـ. سبحانی، چاپ اول، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۵) و نیز رک: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروع مثنوی، ص ۲۶-۲۹.

۴. رک: فروزانفر، شرح مثنوی شریف، مقدمه، ص ۱۰ (سه جلد در یک مجلد، چاپ چهارم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۷).

۵. رک: زرین کوب، مثنوی، ص ۷۷ (چاپ چهارم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۲).

۶. رک: گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، توفیق هـ. سبحانی (چاپ اول، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۶)؛ نیز: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروع مثنوی، ص ۲۹.

۷. مثنوی، ص ۷۶۷.

۸. همان، ص ۷۶۷.

۹. همان، ص ۷۶۸.

۱۰. رک: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروع مثنوی، ص ۳۰ و ۱۲۰.

۱۱. رک: همان، ص ۸۲.



گرفته که موفق تر از همه ترجمهٔ مثنوی به زبان اردو به نام پیراهن یوسفی است که مولانا محمدیوسف علی شاه چشتی نظامی در سال ۱۲۹۳ ق به آن اقدام کرده و چندین بار به چاپ رسیده است؛ همچنین از شروع موفق شرح مفتاح العلوم از مولانا میرزا محمد نذیر عرشی نقشبندی به اردو و شرح پیر امام شاه به زبان پنجابی و شرح عبدالجبار بنکش به زبان پشتو می باشند.

آثاری در آسیای صغیر نیز در این زمینه به وجود آمد. گزیدهٔ ۳۶۰ بیستی یوسف دده از مثنوی و شرح آن به قلم عبدالله بن محمد رئیس الکتاب العثمانیه و نوشتن شروع و تلخیصاتی دیگر بر این منتخب او را در زمرهٔ پژوهندگان و شارحان مثنوی نیز به شمار آورده است و می توان گفت اقدام او در توجه شارحان ترک به شرح مثنوی در نیمهٔ قرن دهم و یازدهم مؤثر بوده است، به طوری که پس از او چندین شرح ناقص و کامل در قرن دهم بر مثنوی نوشته می شود. ابراهیم بن صالح مغلوی معروف به شاهدهی شرحی منظوم و خوب دربارهٔ مثنوی دارد. ظریفی حسن چلبی (۹۴۲ ق) کاشف الاسرار و مطلع الانوار را در شرح بعضی از ابیات دفتر اول مثنوی می نویسد. چند شرح دیگر و نه چندان مهم در همین قرن در آسیای صغیر بر مثنوی نوشته می شود. نخستین شرح منظم و کامل را در ترکیه مصلح الدین مصطفی بن شعبان معروف به سروری (م ۹۶۹ ق) بر مثنوی به فارسی می نویسد و پس از آن شمعی در اواخر قرن دهم (۹۹۵ ق) شرحی را بر مثنوی شروع می کند و پس از گذشت چهارده سال موفق می شود، شش دفتر مثنوی را به ترکی شرح کند. این دو شرح قدیمی ترین شروع کامل بر مثنوی در ترکیه به حساب می آیند. پس از آنها رسوخ الدین اسماعیل انقروی (۱۰۴۱ ق) موفق می شود جامع ترین و ارزنده ترین شرح ترکی را بر مثنوی بنویسد. بعد از انقروی شروع دیگری نیز بر مثنوی به وجود آمد که مهم ترین آنها عبارت اند از:

۱. جواهر بواهر، صاری عبدالله افندی (م ۱۰۷۱ ق)؛
۲. روح المثنوی، اسماعیل حقی (م ۱۰۶۳ ق)؛
۳. ترجمه و شرح مثنوی شریف، عابدین پاشا حکمران انقره (م ۱۲۵۹ ق)؛^{۱۶}

توضیح و تحلیلی مختصر دربارهٔ داستان پادشاه و کنیزک و شیخ دقوقی و قصه همشهری عارف خود شیخ محمد سررزی می پردازد. جامی که خود از ارادتمندان مولانا است و دربارهٔ دیدارش از قزوین و تربت مولانا حکایاتی نقل شده است.^{۱۲} بر دو بیت آغازین مثنوی شرحی مبسوط به نظم و نثر می نویسد که بسیاری از شارحان بعد از او به خصوص پیروان مکتب ابن عربی از این شرح استفاده کرده اند.

اسیری لاهیجی و شیخ علاء الدین علی بن محمد شاهرودی معروف به «مصنک» از دیگر بزرگانی اند که به شرح بعضی از ابیات مثنوی و رفع دشواری های آن در قرن نهم دست زده اند.^{۱۳} ملاحسین کاشفی سبزواری (م ۹۱۰ ق) واعظ مشهور و نویسندهٔ پرکار قرن نهم و دهم نیز تلاش های ارزنده ای دربارهٔ مثنوی انجام داده است. او علاوه بر دو خلاصه از مثنوی به نام های لب المعنوی و لب لباب ظاهراً شرحی نیز بر مثنوی نوشته است که بعضی از تذکره نویسان از آن خبر داده اند.

مثنوی در شبه قاره هند نیز محبوبیت فراوانی پیدا کرده بود، به طوری که از قرن دهم تا سیزدهم چند شرح بر مثنوی نوشته شد. در میان سلسله های تصوف در هند طریقت چشتیه علاقه و توجه بیشتری به آثار مولانا از خود نشان داد.^{۱۴} می گویند پیشوای این طریقت نظام الدین اولیاء (م ۷۲۵ ق) خود شرحی بر مثنوی نوشته است که قسمتی از آن در انجمن آسیایی بنگال نگهداری می شود. این شرح دومین شرح نوشته شده بر مثنوی بعد از شرح احمد رومی است.

به حال استقبال گرم حاکمان شبه قاره و مهاجرت شاعران و فعالیت متصوفان ایرانی و غیر ایرانی زمینهٔ پیش ده ها شرح ناقص و کامل بر مثنوی را در شبه قاره فراهم کرد که از مهم ترین شروع بازمانده می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. لطائف المعنوی فی حقائق المثنوی، عبداللطیف عباسی گجراتی (قرن یازدهم)؛
۲. مکاشفات رضوی، مولوی محمدرضا ملتانی لاهوری (قرن یازدهم)؛

۳. مخزن الاسرار، ولی محمد اکبر آبادی (قرن دوازدهم)؛
۴. فتوحات معنوی، عبدالعلی محمد بن نظام الدین معروف به بحر العلوم (قرن دوازدهم)؛

۵. اسرار الغیوب، خواجه ایوب پارسا (قرن دوازدهم). و از این میان شرح محمد اکبر آبادی که کوشیده است مثنوی را بر اساس دیدگاه های ابن عربی تفسیر کند، تأثیر بیشتری بر شروع بعد از خود نهاده است.^{۱۵}
- البته شروع و ترجمه هایی از مثنوی به زبان های دیگر صورت

۱۲. رک: گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، ترجمه توفیق ه. سبحانی، ص ۲۷۲-۲۷۳.

۱۳. رک: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروع مثنوی، ص ۵۷.

۱۴. آن ماری شپیل، رک: شبکه شمس، ترجمه حسن لاهوتی، ص ۵۲۳ (چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷).

۱۵. رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروع مثنوی، ص ۳۳-۳۴.

۱۶. معرفی و نقد و تحلیل شروع مثنوی، ص ۳۶-۳۷.

در این دوره در ایران نیز شروحنی بر مثنوی به وجود آمدند که درباره هر یک سخن خواهیم گفت و مهم ترین آنها اجمالاً به قرار زیر است:

ملا محمد صالح قزوینی از علمای مشهور شیعی در عهد صفویه که خود از شاگردان میر داماد و معاصران علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی بوده است، شرحی بر ابیات دشوار مثنوی می نویسد که شرح دفتر چهارم آن به همراه آن دو صفحه از دفتر پنجم باقی مانده است.

شرح ناشناخته دیگر که در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی نگهداری می شود، از قرن دهم ق است که تنها یک دفتر از آن باقی مانده و نام شارح نیز مشخص نیست؛ اما شارح می نویسد که حدود بیست سال از عمرش را صرف شرح مثنوی کرده است.^{۱۷}

قطب الدین محمد لاهیجی اشکوری (م ۱۰۷۵ ق) و علی فرزند شیخ فضل الله گیلانی فومنی (م ۱۰۱۸ ق) و حاج ملا محمد علی نوری (م ۱۲۵۲ ق) نیز ابیاتی از مثنوی را شرح کرده اند. میرزا حسن بن محمد صادق خان که خود از ملازمان شاه عباس اول بوده، نیز شرحی بر مشکلات مثنوی نوشته است.

حکیم و عارف بزرگ قرن سیزدهم حاج ملاهادی سبزواری نیز با شرح ارزشمند خود بر مثنوی بزرگ زرین دیگری به کارنامه خویش می افزاید. او می گوشتد مثنوی را از دیدگاه حکمت و شریعت به خصوص آرا و عقاید صدرالدین شیرازی شرح و تفسیر کند.^{۱۸}

در میان غربیان نیز در قرون گذشته کوشش هایی در زمینه ترجمه و تفسیر مثنوی شده است، از جمله هامرپور گشتال (م ۱۸۵۶ م) دیپلمات و محاورشناس اتریشی منتخبی از ابیات مثنوی را به زبان آلمانی ترجمه کرد. سپس تورلوگ (وزیر پروتستان آلمان) به تحقیق و معرفی مثنوی پرداخت. در انگلیس نیز وین فیلد و ویلسون ترجمه هایی از مثنوی فراهم آوردند که بعدها به پسند نیکلسون درآمد.^{۱۹}

گولپینارلی شروحنی را که خود ملاحظه نموده، در کتاب مولویه بعد از مولانا معرفی می کند. این شروح که اغلب به زبان ترکی و برخی به فارسی است، عبارت اند از: شروح کمال الدین حسین بن حسن خوارزمی موسوم به کنوز الحقائق فی رموز الدقائق و جواهر الاسرار و زواهر الانوار، شرح بحر العلوم عبدالعلی محمد لکهنوی، شرح سروری، شرح سودی، شرح شمعی، شرح افقروی، شرح عبدالمجید سیواسی، شرح صارمی عبدالله موسوم به جواهر بواهر مثنوی، شرح اسماعیل حقی بروسوی موسوم به روح المثنوی، شرح شیخ مراد بخاری،

شرح عابدین پاشا، شرح طاهر اولغون موسوم به درس های مثنوی، شرح پیری پاشا، شرح هدایی عزیز محمود، شرح حسن دده و...^{۲۰} که به شرح هر یک خواهیم پرداخت.

ایشان علاوه بر شروح مزبور به معرفی ترجمه هایی از مثنوی پرداخته اند که به قرار زیر است:

۱. در قرن هیجدهم م نحیفی سلیمان (م ۱۱۵۱ ق) از شاعران مولوی - حمزوی مثنوی را به طور منظوم به ترکی برگردانده و در کار خود توفیق یافته است. این ترجمه همراه ترجمه فرخ افندی (م ۱۲۵۶ ق) بر دفتر معمول هفتم به خط نستعلیق در سال ۱۲۸۶ ق در مطبعه بولاق مصر چاپ شده است.

۲. طاهر بروسوی می نویسد که عبدالله صالح از پیروان طریقت عشاقی (م ۱۱۹۷ ق) مثنوی را در استانبول ترجمه کرده است، اما وی قید نکرده است که ترجمه مزبور کامل بوده یا ناقص و همچنین روشن نکرده است که ترجمه در کجا بوده است.

۳. خیری بیگ (م ۱۳۰۸ ق) که به سبب انتشار مجموعه ای به نام کوتوک به «صاحب کوتوک» شهرت داشته است، به هوس افتاده که مثنوی را به نظم ترجمه کند که ترجمه خوبی از آب در نیامده است.

۴. می گویند که عون بنی شهری (م ۱۳۱۰ ق) ترجمه ای منظوم تا پایان دفتر چهارم داشته است.

۵. ترجمه منظوم به وزن هجایی از فیض الله ساجد اولکو که از سوی خانه خلق قونیه در مجموعه قونیه ۶. حافظ محمد امین، شیخ مولویه توقات، دفتر هفتم را نیز از مولانا پنداشته و آن را نظماً به ترکی ترجمه کرده است. نسخه ای از آن به شماره ۶۳۲۳ جزو نسخه های خطی ترکی کتابخانه اونیورسیتته استانبول نگهداری می شود.

۷. شاکر محمد از تربیت یافتگان دربار (م ۱۲۵۲ ق) در استانبول مثنوی را به ترکی منظوم در آورده است. او نیز دفتر هفتم را از مولانا دانسته و آن را به ترجمه خود افزوده است. یک نسخه از آن به صورت زیبا و مذهب که یک سال بعد از پایان ترجمه استنساخ شده، در موزه کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۶۳۰۸ بین نسخ خطی ترکی ثبت شده است.

۱۷. رک: سید احمد حسینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله

مرعشی، ج ۳، ص ۱۰۲۸ (چاپ دوم، انتشارات ولایت، قم، بی تا).

۱۸. همان، ص ۳۸.

۱۹. رک: رفعا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۴۰-۴۲.

۲۰. رک: گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، ترجمه توفیق ه. سبحانی،

ص ۱۸۴-۱۹۰.

۸. ضمناً مرحوم گولپینارلی به ترجمه مثنوی خود نیز اشاره کرده است که در سال‌های ۱۹۴۲-۱۹۴۶ م به چاپ رسیده است.^{۲۱}

به صورت پاورقی انتشار یافته و بعدها به کوشش انتشارات ترکیه در سال ۱۹۴۵ م به چاپ رسیده است.

اصطلاح‌نامه‌هایی نیز طی سه قرن پیشین بر مثنوی ترتیب یافته است که گولپینارلی از آنها یاد می‌کند، عبارت‌اند از: ازهار مثنوی و انوار معنوی از شریف علایی بن محیی‌الشریازی؛ مظهر الاشکال از محمد شعبان‌زاده که لغتنامه ترکی است به ترتیب الفبایی ترکی و یک نسخه از آن به شماره ۵۶۵ در کتابخانه‌ی حالت افندی موجود است که در سال ۱۱۱۳ تحریر یافته است.^{۲۲}

تردید نیست که در بین شارحان مثنوی کسانی بودند که به صرف داشتن علاقه‌ی جدی به مولانا و وابستگی به او به شرح مثنوی پرداخته‌اند. افرادی نیز برای داشتن اثر و شمرده شدن در عداد فضلا و کسب عنوان شارح و حتی به قصد خودنمایی و اظهار برتری کار شرح مثنوی را در پیش گرفته‌اند. در مشرق زمین شرح در اکثر موارد برای فهمیدن، توضیح و فهمانیدن مطلب نوشته نمی‌شد، بلکه به آنگندن اثر از اصطلاحات و تعقید هرچه بیشتر متن منجر می‌شد. شارح حتی لزومی احساس نمی‌کرد که درباب غرض صاحب متن چیست، هرچه خود دریافت یا به عبارت صحیح‌تر مذهب و مشرب و اعتقاد خود را اساس قرار می‌داد و خواننده را شاید از مقصد صاحب متن به کلی دور می‌کرد. هیچ شارحی آن‌گاه که مثنوی را شرح می‌کرده، دیگر آثار مولانا و آثار عمده و اصلی حیات وی را مطالعه نمی‌کرده است، در حالی که دیوان مولانا، افکار مندرج در مثنوی و حتی محتوای حکایات آن را شرح می‌دهد؛ در فیه ما فیه وی فصل‌هایی هست که به شرح ابیات مثنوی اختصاص دارد و مقالات شمس مهم‌ترین مأخذ مثنوی است.

در اینجا به معرفی اجمالی برخی از شروح موجود مثنوی به ترتیب زمانی می‌پردازیم. نسخ خطی این شروح که به زبان‌های فارسی، ترکی، عربی، اردو، پشتو، پنجابی و... نگارش یافته‌اند، در کتابخانه‌های مختلف دنیا وجود دارد که حتی الامکان به معرفی آنها خواهیم پرداخت:

الف) شروح شناخته شده (ق ۸-۱۴)

۱. شرح احمد رومی بر مثنوی (ق ۸)

استاد فروزانفر در مقدمه شرح مثنوی شریف از این شرح نام می‌برد و می‌فرماید که دو نسخه خطی از آن را در اختیار داشته است. این شرح که نگاشته احمد رومی معاصر سلطان ولد و

فرزندش اولو عارف چلبی بوده است، حدود ۴۸ سال بعد از فوت مولانا نوشته شده است و قدیمی‌ترین شرح شناخته شده درباره شرح مشکلات مثنوی است. این کتاب در هشتاد فصل تنظیم شده است و شارح در آغاز هر فصل آیه‌ای از قرآن یا حدیثی از حضرت رسول اکرم (ص) ذکر می‌کند و پس از شرح آن حکایتی مناسب شرح بیان می‌کند و برای اثبات و تقریر مطلب به چند بیت از مثنوی استشهد می‌جوید. آیات و احادیث منقول نیز در شرح و تفسیر ابیات مذکور مثنوی است. این کتاب اشکالات و کاستی‌ها و سستی‌هایی دارد، اما چون قدیمی‌ترین شرح مثنوی است، درخور توجه و حایز اهمیت است.^{۲۳}

۲. جواهر الاسرار و زواهر الانوار (ق ۹)

نویسنده این اثر کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی (م ۸۴۰ ق) است و از شاگردان و مریدان خواجه ابوالوفای خوارزمی و از صوفیان مشهور سلسله کبرویه می‌باشد. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست. نثر زیبا، آهنگین، مسجع و مرصع این شرح که تقریباً اولین شرح منسجم و منظم و مرتب ابیات مثنوی است، به آن لطافت و زیبایی و دلنشینی بیشتری بخشیده است. وی پیش از شرح مثنوی ده مقاله در احوال مشایخ و بزرگان طریقت و اصول و آداب و اصطلاحات تصوف می‌آورد و مقدمه مدخل اثرش قرار می‌دهد. خوارزمی پس از این مقالات که در مجلدی جداگانه به چاپ رسیده است، دفتر اول مثنوی را شرح می‌کند و پس از فترت و تأخیر زیاد به سال ۸۳۳ ق شروع به شرح تمام دفتر دوم و سوم می‌نماید و احتمالاً به شرح بقیه دفاتر توفیق نمی‌یابد.^{۲۴}

۳. کنوز الحقائق فی رموز الدقائق (ق ۹)

این اثر اولین شرح منظوم مثنوی است. کمال‌الدین حسین خوارزمی (صاحب جواهر الاسرار) ناظم آن است، اما متأسفانه جز بخشی از آن به جای نمانده است. شارح علاوه بر این شرح و شرح قبلی آثار دیگری دارد که عبارت‌اند از: ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار، نصیحت نامه شاه‌ی یا نصایح شاه‌ی، المقصد الاقصی فی ترجمه المستقصی، دیوار اشعار،^{۲۵} تحفه الابرار

۲۱. رک: همان، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۲۲. همان، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۲۳. این شرح اخیراً به اهتمام استاد نجیب مایل هروی به چاپ رسیده است.

۲۴. این شرح را دکتر محمود جواد شریعت در سه جلد تصحیح و به چاپ رسانده است (چاپ مشعل، اصفهان، ۱۳۶۶).

۲۵. دیوان اشعار وی با عنوان دیوار اشعار حسین بن منصور حلاج از سوی کتابخانه سنایی به سال ۱۳۴۳ چاپ شده که بعدها معلوم شد دیوان حسین خوارزمی است که حسین تخلص می‌کرد.

حاجی خلیفه وفات او را در سال ۸۷۵ ق ذکر می کند، این شرح باید در قرن نهم نوشته شده باشد. اطلاع زیادی از این شرح و مؤلف او به دست نیامد.

۷. شرح ابیاتی از مثنوی

این نگاشته از شمس الدین محمد اسیری لاهیجی (حدود ۸۹۶-۹۱۲ ق) شاعر و عارف قرن نهم ق و شارح منظومه گلشن راز است که در شرح دو بیت از مثنوی است:

چون بی رنگی اسیر رنگ شد

موسی ای با موسی ای در جنگ شد

چون به بی رنگی رسی کان داشتی

موسی و فرعون دارنداشتی

این کتاب در ذکر مجموعه آثار «اسیری» آمده و به همراه پنج رساله دیگر وی در خانمه دیوان اشعار او به چاپ رسیده است. ۲۲

۸. شرح مثنوی معنوی (ق ۹)

این شرح از شاه داعی الی الله شیرازی (م ۸۷۰ ق)، عارف بزرگ قرن نهم از پیروان مکتب ابن عربی است. هرچند شارح کوشیده تمام مثنوی را شرح کند، ولی شرح او تفصیل لازم را ندارد و بسیاری از مشکلات و غوامض مثنوی در آن فروگذار شده است، به خصوص دفتر ششم که تنها در چهارده صفحه است و شرح ۳۸ بیت آغازین این دفتر را دربر دارد. ۲۳

۹. شرح ابیاتی از مثنوی

شاه داعی به گزارش بیت هایی از مثنوی می پردازد که به وحدت وجود اشاره دارد و بیشتر بیت هایی اند که واژه رنگ در آن به کار رفته است. گویا شارح بعد از نوشتن شرح این ابیات که حدود هجده بیت از مثنوی است، آن را به شرح مثنوی خود که ذکر آن گذشت افزوده است و مصحح آقای محمد نذیر رانجها آن

۲۶. ر.ک: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل مثنوی، ص ۱۲۰ به بعد.

۲۷. آن ماری شمیل، مولویه بعد از مولانا، ترجمه حسن لاهوتی، ص ۱۸۵.

۲۸. رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل مثنوی، ص ۵۵.

۲۹. احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۳، ص ۱۶۳۳ (مؤسسه فرهنگی منطقه ای، تهران، بی تا).

۳۰. فهرست مشترک، نسخه های خطی فارسی، ج ۳، ص ۱۶۳۳.

۳۱. ر.ک: فروزانفر، شرح مثنوی شریف، ذیل ابیات ۱ و ۲ دفتر اول؛ نیز: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل مثنوی، ص ۵۵-۵۶.

۳۲. ر.ک: اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، تصحیح سید علی آق دادود، مقدمه، ص ۲۱ (چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸).

۳۳. برای تفصیل بیشتر، ر.ک: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل مثنوی، ص ۸۲ به بعد.

فی افضل الاذکار، کتابی در علوم ظاهری و اصطلاحات آن، کتابی در مستی از باده عرفان، شرح قصیده برده. ۲۶ اولین بار این شرح خوارزمی در هندوستان به چاپ رسیده است. ۲۷

۴. رساله نائیه (ق ۹)

مولانا یعقوب چرخمی (م ۸۵۱ ق) از پیروان و شاگردان خواجه بزرگ بهاء الحق و الدین نقشبندی آن را در نیمه اول قرن نهم تألیف نموده است. این شرح مشتمل بر شرح دیباجه مثنوی و تحلیلی مختصر درباره داستان پادشاه و کنیزک و دو داستان دیگر یعنی شیخ دقوقی و شیخ محمد سررزی می باشد. روش چرخمی آن است که نخست یک یا چند بیت از مثنوی را نقل می کند و سپس به شرح و توضیح کلی آن می پردازد. نقل احوال و حکایات بزرگان تصوف و استشهاد به کلام آنان و همچنین ذکر آیات و احادیث و اشعار مناسب از ویژگی های این تفسیر مختصر است. نثر کتاب ساده و فصیح و به دور از تعقیدات و مغلفاتی است که گاه در آثار بزرگان صوفیه مشاهده می شود. از این کتاب ترجمه ای به زبان اردو و به کوشش محمدنذیر رانجها صورت گرفته و در سال ۱۹۸۶ م چاپ شده است. ۲۸

علاوه بر رساله نایه دو کتاب دیگر به نام های تفسیر چرخمی و رساله اثبات وجود اولیا را برای او ذکر کرده اند. ۲۹

این رساله نوشته شاعر و عارف نامدار قرن نهم نورالدین عبدالرحمن جامی (م ۸۹۸ ق) است. کتابی کوتاه و مختصر در شرح دو بیت آغاز مثنوی می باشد که بیشتر شارحان بدان اشاره کرده اند و گاه عین عبارت یا مضمون آنها را در شرح خود آورده اند. ۳۰ جامی در این شرح پس از مقدمه ای کوتاه در وصف و عظمت مولانا و اثر برجسته او و اظهار عجز از شرح اسرار و معانی بلند آن به صورت منظوم و مثنوی به شرح دو بیت آغازین مثنوی می پردازد.

۵. رساله النائیه (نی نامه) (ق ۹)

این رساله نوشته شاعر و عارف نامدار قرن نهم نورالدین عبدالرحمن جامی (م ۸۹۸ ق) است. کتابی کوتاه و مختصر در شرح دو بیت آغاز مثنوی می باشد که بیشتر شارحان بدان اشاره کرده اند و گاه عین عبارت یا مضمون آنها را در شرح خود آورده اند. ۳۱ جامی در این شرح پس از مقدمه ای کوتاه در وصف و عظمت مولانا و اثر برجسته او و اظهار عجز از شرح اسرار و معانی بلند آن به صورت منظوم و مثنوی به شرح دو بیت آغازین مثنوی می پردازد.

۶. شرح مثنوی

شرحی است بر بعضی ابیات مثنوی از شیخ علاءالدین علی بن محمد شاهرودی معروف به «مصنّفک». با توجه به اینکه

را در ذیل توضیحات ابیات مربوط در دفتر اول آورده است. ۳۴
۱۰. کاشف الاسرار و مطلع الانوار (ق ۱۰)

این نوشته به ظریفی حسن چلبی (م ۹۴۲ ق) تعلق دارد. صاحب کشف الظنون از آن یاد می کند. شرحی است بر بعضی از ابیات دفتر اول مثنوی تا پایان داستان پادشاه و کنیزک. نام وی در کتاب مولویه بعد از مولانا به عنوان «تذکره نویس» آمده است. ۳۵

۱۱. شرح مثنوی (ق ۱۰)

مولی حسین بن علی کاشفی بیهقی (م ۹۱۰ ق) صاحب لبّ لباب مثنوی و لباب المعنوی فی انتخاب المثنوی به این شرح پرداخته است. صاحب الذریعه سه شرح مثنوی را به وی نسبت داده است ۳۶ و در کشف الظنون نیز از لباب المعنوی وی یاد شده است. ۳۷ شاید منظور صاحب الذریعه علاوه بر شرح مثنوی دو انتخاب مثنوی از وی است که هر دو شرح گونه ای بر مثنوی به حساب می آیند، چرا که وی در این دو کتاب ابیات هم مضمون را در کنار هم آورده و بدین شیوه هر بیتی را با بیت دیگر مثنوی شرح کرده است.

۱۲. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۰)

این شرح از مولانا جلال الدین واعظ بخارایی است که ظاهراً همان شاه جلال بخارایی از سادات شیراز است (م ۹۴۴ ق) که شرحی بر گلشن راز نیز نوشته است. ۳۸

۱۳. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۰)

این شرح سامان یافته مولانا ادریس فرزند حسام الدین بدلیسی (تبلیسی) و در گذشته ۹۲۶ - ۹۳۰ ق است که احمد منزوی در نسخه های فارسی از آن خبر داده است. این شرح را شارحی به نام سلطان خان عثمانی نوشته است. علاوه بر این شرحی بر گلشن راز نیز داشته است. ۳۹

۱۴. اختیارات مثنوی (ق ۱۰)

شرح برخی ابیات دشوار مثنوی معنوی است که به انتخاب و همت احمد دده صبوحی توقادی، شیخ مولوی خانه بینی قاپو (م ۹۵۴ ق) نوشته شده است. شارح در بین مولویه از احترام والایی برخوردار است و این همان کسی است که در باب شرح دفتر هفتم مثنوی به انقروی اعتراض می کند و می گوید: «چنانچه به تدریس آن برخیزد، کرسی درشش خراب می کنم». ۴۰ از این شرح اطلاعات زیادی در دست نیست. ۴۱

۱۵. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۰)

از این شرح تنهائی نامه خبر داده است و شارح آن را

عبدالوهاب بن جلال الدین همدانی معروف به «صابونی» (م ۹۴۸ ق) معرفی کرده است. به قول رضا شجری این شارح همان کسی است که مناقب العارفین افلاکی را در سال ۹۴۵ ق با نام مناقب المناقب تلخیص کرده و به فارسی برگردانده است. ۴۲ وی یکی از مشایخ نقشبندی همدان بوده که به مصر مهاجرت کرده و مدتی در مولوی خانه قاهره اقامت داشته و پس از مسافرت به مدینه و گذراندن آخرین سال های عمر خود در همان شهر وفات کرده است. ۴۳

۱۶. شرح مثنوی مولوی (ق ۱۰)

اولین شرح منظم و کاملی است و از سروری (مصالح الدین مصطفی بن شعبان) شاعر عثمانی می باشد. شارح در قرن دهم (۸۹۷-۹۶۹ ق) زندگی می کرده است و اهل گلیبولی بوده است. وی هر روز در مدرسه خود مثنوی تدریس می کرد. وی پس از نوشتن جلد اول و شرح و تقدیم آن به سلطان مصطفی به امر او جلد دوم شرح را نیز می نگارد. حاجی خلیفه در کشف الظنون از این شرح یاد کرده است. ۴۴ سروری به سه زبان فارسی، ترکی و عربی مسلط بوده و دارای آثاری چون شرح بوستان سعدی (به فارسی)، شرح روح الارواح (به عربی)، شرح دیوان حافظ (به ترکی)، شرح گلستان سعدی و کتاب بحر المعارف در عروض و قافیه (به فارسی) و ... می باشد. ۴۵

۳۴. رک: معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۵۷.

۳۵. همان.

۳۶. آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۱۹ (چاپ دوم، دارالاضواء، بیروت، بی تا، ج ۱۴).

۳۷. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۵۸۸، (دارالفکر، بیروت، بی تا).

۳۸. رک: شاه داعی، شرح مثنوی معنوی، مقدمه، ص ۱۷ رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۵۹.

۳۹. منزوی، فهرست مشترک، نسخه های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۲۵۴.

۴۰. گرلپینارلی، مولویه بعد از مولانا، توفیق ه. سبحانی، ص ۱۸۷ و ص ۱۱۹۲ منزوی، فهرست مشترک، نسخه های خطی فارسی، ج ۵، ص ۳۳۴۱.

۴۱. شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۵۹.

۴۲. همان.

۴۳. گرلپینارلی، مولویه بعد از مولانا، توفیق ه. سبحانی، ص ۲۴.

۴۴. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۵۸۷.

۴۵. منزوی، فهرست مشترک نسخه های خطی پاکستان، ج ۳، ص ۱۶۳۸ (چاپ اول، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، بی تا، ج ۳).

۴۲. شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۸۴-۸۵.

۱۷. گلشن توحید (ق ۱۰)

این شرح را عصمت ستارزاده به فارسی برگردانده و در سال ۱۳۷۴ به همت انتشارات زرین در هفده جلد به چاپ رسیده است.

۲۱. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۱)

از شروح هندی در قرن یازدهم ق است. شارح آن میر محمد نورالله احمراری (م ۱۰۷۳۰ ق) است که از ایام جوانی تا زمان شرح که روزگار میان سالی را می گذرانده، به خواندن مثنوی اشتغال داشته و یادداشت هایی بر آن می نوشته است. این شرح در حقیقت، تفصیل و تدوین همان یادداشت هاست که به تمنای گروه زیادی از طلاب صورت پذیرفته و در حاشیه مثنوی نوشته شده است. این شرح در سال ۱۲۹۳ ق در بمبئی به چاپ رسیده است. شارح علاوه بر مثنوی، گلستان سعدی و یوسف و زلیخای جامی را نیز گزارش کرده است.^{۵۱}

۲۲. فتح المثنوی (ق ۱۱)

شرحی است بر مثنوی به قلم شاه فتح محمد بن عیسی جندالله برهان پوری (م ۱۰۸۰ ق) از علما و عرفای هند که به لقب «عین العرفا» نیز ظاهر آ شهرت داشته است. نام شرح بی گمان از نام شارح گرفته شده است. آثار شارح در موضوعات مختلف، آشنایی و تبحر او را در زمینه های فلسفی، عرفانی و دینی خاطر نشان می کند. متزوی هفت اثر از او ذکر کرده که برخی از آنها عبارات انداز: مفتاح الصلاه، فتوح العقاید، المذاهب الاربعه، فتح الطریقه، تحقیق وحدت الوجود.^{۵۱}

شرحی است منظوم بر مثنوی مولوی که به قلم ابراهیم بن صالح مغلوی شاهمدی دده (م حدود ۹۵۷ ق) است. وی یکی از پیروان مکتب مولویه می باشد. از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. اما عنوان برخی آثار در دسترس دیگر وی عبارت است از: فرهنگ فارسی به ترکی، دیوار اشعار. شارح ششصد بیت از ابیات زیبای مثنوی (هر دفتر صد بیت) را انتخاب کرده و با سرودن پنج بیت در وزن مثنوی برای هر بیت مثنوی آن را شرح کرده است. وی با ایجاد ارتباط بین ابیات توانسته است آن را به صورت مجموعه ای پیوسته و منظم و مشحون از اسرار عشق و لآلی و گوهرهای ثمین عرفان سازد. در هر حال این شرح یک شرح خوب و جامع نمی تواند باشد.^{۲۶}

۱۸. ازهار مثنوی و انوار معنوی (ق ۱۰)

این شرح اثر علانی بن محیی الواعظ الشیرازی (م ۹۰۲ ق) است که بخش های پراکنده معارف بهاء ولد را نیز گردآورده است. شارح پس از شرح دیباجه، لغات دشوار و عبارات عربی و فارسی مثنوی را به ترتیب الفبایی به ترکی ترجمه می کند و احياناً توضیح می دهد. حاجی خلیفه از این اثر یاد کرده است.^{۲۷}

۱۹. شرح جزیره المثنوی (ق ۱۰)

شرح منتخبی از مثنوی مولاناست، از یوسف دده معروف به سینه چاک (م ۹۳۵ ق). ۳۶۰ بیت از ابیات مثنوی را که معمولاً با هم تناسب داشته اند، گزینش کرده و سپس به همت عبدالله بن محمد رئیس الکتاب العثمانیه و شیخ مولوی خانه شام (م ۱۰۷۲ ق) به سال ۹۷۹ ق به ترکی شرح کرده است. این شرح کم حجم از همان آغاز مورد پسند صوفیه و مولویان واقع شده است، به طوری که غالب شاعر (شیخ خانقاه غلظه م ۱۲۱۴ ق) شرح دیگری بر این شرح زده است و سمحات لمعات بحر المعنوی فی شرح الجزیره المثنوی نام گرفته است.^{۲۸}

۲۰. شرح فاتح الابیات (ق ۱۰)

مشهورترین و جامع ترین شرح ترکی بر مثنوی است که رسوخ الدین اسماعیل انقروی از مشایخ بزرگ طریقه مولویه نوشته است. وی علاوه بر این شرح عظیم بر مثنوی آثار دیگری دارد، از جمله: زبده الفصوص (خلاصه فصوص الحکم ابن عربی)، شرح هیاکل النور شیخ شهاب الدین سهروردی (به زبان ترکی عثمانی)، مفتاح البلاغه (در بلاغت و قواعد ادبی)، نصاب مولوی (به فارسی)، شرح قصیده تائبه با نام مقاصد العلیه.^{۲۹}

۴۶. جهت تفصیل بیشتر رک: شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۸۵-۸۶.

۴۷. رک: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ص ۱۵۸۸؛ ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۲۲۳ (چاپ چهارم، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۶۶، ج ۴ و ۵) رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۷۵.

۴۸. رک: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ص ۱۵۸۷؛ گولینارلی، مولویه بعد از مولانا، توفیق هـ. سبحانی، ص ۱۶۶؛ رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۷۵-۷۶.

۴۹. برای تفصیل بیشتر، رک: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۱۷۵ به بعد.

۵۰. متزوی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، ص ۱۳۵۰ (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، بی تا)؛ شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۶۱.

۵۱. فهرست مشترک نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، ص ۱۶۴۱؛ شاه داعی، شرح مثنوی معنوی، ص ۱۲.

۲۳. شرح بیّتی از مثنوی (ق ۱۱)

شرحی است بر یک بیت از مثنوی:

هر که بالاتر رود ابله تر است

استخوان او بتر خواهد شکست

قطب الدین محمد فرزند شیخ علی شریف لاهیجی اشکوری (م ۱۰۷۵ ق) شاگرد میرداماد آن را شرح کرده است و احمد منزوی نیز در فهرست مشترک بدان اشاره کرده است. ۵۲

۲۴. شرح مثنوی (ق ۱۱)

این شرح از ابوالمعالی لاهوری (م ۱۰۲۴ ق) است که برخی ابیات دشوار مثنوی را شرح کرده و آن را به شاهزاده داراشکوه سپرده است و او این شرح را همراه تألیف دیگرش سکیّنه الاولیاء حدود ۱۰۵۸ آورده است. ۵۳

۲۵. شرح مثنوی (ق ۱۱)

شرحی است بر مثنوی از میرزا حسن بن محمد صادق خان که صاحب الذریعه از آن خبر داده است. این شرح یکی از شروع قرن یازدهم ق است که در زمان شاه عباس اول نوشته شده است. ۵۴

۲۶. شرح بیّتی از مثنوی (ق ۱۱)

در شرح بیّتی از مثنوی است:

گورگورانه مرو در کربلا

تانیفتی چون حسین اندر بلا

علی فرزند شیخ فضل الله گیلانی فومنی زاهدی (م ۱۰۱۸ ق) آن را گزارش و شرح کرده است. ۵۵

۲۷. کنوز العرفان و رموز اصحاب الايقان (ق ۱۱)

اثر ملا محمد صالح روغنی قزوینی از علمای مشهور و محققان قرن یازدهم ق است که در عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی می زیسته است. وی شاگرد میرداماد و با شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی نیز هم عصر بوده است. از آثار او می توان به برکات المشهد المقدس (ترجمه فارسی عیون الاخبار)، ترجمه صحیفه سجادیه، ترجمه محاضرات راجب اصفهانی، عهدنامه مالک اشتر، شرح نهج البلاغه، ترجمه توحید مفصل و ... اشاره کرد. ۵۶

این شرح شرح دفتر چهارم مثنوی است که در ۱۳۷۴ به کوشش محمدرضا بندرچی و اهتمام انتشارات معارف به چاپ رسیده است.

۲۸. مکاشفات رضوی مولوی (ق ۱۱)

از شروح فارسی و ارزشمندی است که در شبه قاره هند در قرن یازدهم ق به رشته تحریر درآمده است. از زندگی شارح

اطلاع چندانی در دست نیست. گویا این شرح در ۱۰۸۴ ق نوشته شده و شارح با وجود وظایف دیوانی با عشقی تمام و شوری تام در فرصت های به دست آمده به شرح مشکلات و دقایق و نکات ابیات مثنوی می پردازد و برای رسیدن به مقصود دست ارادت به دامان حضرت علی بن موسی الرضا(ع) می زند و شرح خود را به تیمن و تبرک به مکاشفات رضوی می نامد. این کتاب را انتشارات روزنه در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسانده است.

۲۹. لطائف المعنوی من حقائق المثنوی (ق ۱۱)

شرحی است بر ابیات دشوار و عبارات عربی مثنوی از قرن یازدهم ق که به کوشش عبداللطیف عباسی گجراتی (م ۱۰۴۸ ق) نوشته شده است. این شرح نیز در حقیقت حاشیه هایی است که شارح بر کنار نسخه خود نوشته بود و سپس با افزودگی و تفصیل بیشتر در این کتاب گرد آورده است. شارح علاوه بر این شرح دارای آثار دیگری چون مرآت المثنوی و لطائف اللغات (توضیح لغات مثنوی) است که هر دو از آثار ارزنده درباره مثنوی است. این کتاب بارها در لکهنور و کانپور و ایران به چاپ رسیده است. علاوه بر این حدیقه سنایی را نیز شرح کرده است و تاریخ نگارش آن بین سال های ۱۰۳۲-۱۰۴۲ ق است. ۵۷

۳۰. شرح منتخبی از جزیره المثنوی (ق ۱۱)

مولوی جویری شاعر و خطاط قرن یازدهم ترکیه (م ۱۰۶۵ ق) چهل بیت از شرح مثنوی جزیره المثنوی تألیف یوسف دده (سینه چاک) را انتخاب کرده و هر بیت را در همان وزن و پنج بیت به ترکی شرح کرده است. این شرح همراه اثر دیگرش حل تحقیقات در ۱۲۶۹ ق به چاپ رسیده است. ۵۸

۳۱. شرح مثنوی (ق ۱۱)

شرحی است بر قسمتی از دفتر اول مثنوی (تا حکایت شیر و

۵۲. منزوی، فهرست مشترک نسخه های خطی پاکستان، ج ۲، ص ۱۲۲۴.

۵۳. رک: شاه داعی، شرح مثنوی معنوی، ص ۹-۱۰.

۵۴. رک: آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ص ۱۷۱۶.

۵۵. رک: شاه داعی، شرح مثنوی معنوی، ص ۱۱.

۵۶. رک: ملا محمد صالح روغنی، کنوز العرفان و رموز اصحاب الايقان، به کوشش محمدرضا بندرچی و معصومه بندرچی، مقدمه (مؤسسه فرهنگی انتشار معارف، ۱۳۷۴).

۵۷. رک: منزوی، فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، ص ۱۶۳۹؛ شاه داعی، شرح مثنوی معنوی، ص ۱۰؛ ساندانان صدیق بهزادی، کتابنامه مولوی، ص ۱۷ (چاپ اول، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی آموزشی، تهران، ۱۳۵۱)؛ رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۹۱-۹۲.

۵۸. گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، توفیق ه. سبحانی، ص ۱۶۶.

۳۶. اسرار مثنوی و انوار معنوی (ق ۱۲)

این شرح که به اسرار نامه نیز معروف است، از شارحی افغانی تبار به نام عبدالله خویشگی قصوری فرزند عبدالقادر بن احمد شورپانی و غلام معین الدین متخلص به هبیدی است. منزوی علاوه بر این شرح پنج اثر دیگر از او یاد می‌کند. تاریخ تألیف این شرح را حدود ۱۰۹۶-۱۱۰۵ ق نوشته‌اند. ۶۵

۳۷. حل مثنوی (ق ۱۲)

شرحی است از شاه محمد افضل اله آبادی (م ۱۱۲۴ ق) معروف به ثابت که آن را به سال ۱۱۰۴ ق تألیف کرده است. نام نگارنده به سه صورت افضل، محمدافضل، شاه افضل ذکر شده است. وی علاوه بر این شرح به شرح اسکندرنامه نظامی نیز اقدام کرده است که از آن اطلاعی در دست نیست. شرح مثنوی او با این بیت آغاز می‌شود:

خدا را شکر کز لطف قوی

داد توفیقم به حل مثنوی ۶۶

۳۸. مغنی محمدعابد (ق ۱۲)

گزارش مثنوی است از شارحی به نام محمد عابد از شارحان قرن یازدهم و دوازدهم ق که این شرح را به سال ۱۱۰۰ ق آغاز کرده است و از شروح مثنوی شیخ محمد ابهری، عبداللطیف و خوارزمی استفاده کرده است. ۶۷

۳۹. شرح مثنوی (ق ۱۲)

شرحی است در حل مشکلات برخی ابیات مثنوی مولانا که آن را شکرالله خان خاکسار (م ۱۱۰۸ ق) به خواهش عاقل خان رازی نوشته است که شارح در ضمن شرح از او یاد می‌کند و گویا شارح داماد عاقل خان بوده است. ۶۸

۵۹. همان، ص ۱۸۸.

۶۰. رک: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۷۷.

۶۱. نیکلسون، شرح مثنوی معنوی، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، ص ۳ (چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲).

۶۲. برای تفصیل بیشتر رک: شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۷۶.

۶۳. گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، توفیق هـ. سبحانی، ص ۱۸۶ نیز رک: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ص ۱۵۸۷.

۶۴. رک: منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ص ۱۶۵۱ و ۹۵۸؛ نیز: شاه داهی، شرح مثنوی معنوی، مقدمه، ص ۱۸.

۶۵. رک: منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ج ۲، ص ۱۶۲۳.

۶۶. رک: همان، ص ۱۶۲۳.

۶۷. رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۶۴.

۶۸. رک: منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ص ۱۶۲۶؛ رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۶۴.

نخجیران) که آن را شیخ عبدالمجید سیواسی مشهور به شیخ سیواسی از صوفیان پرنفوذ قرن یازدهم (م ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۹ ق) به ترکی شرح کرده است. از این شرح نسخه‌ای در کتابخانه دانشگاه استانبول موجود است که دو سال پیش از مرگ وی نوشته شده است. ۵۹

۳۲. جواهر بواهر مثنوی (ق ۱۱)

شرحی است ترکی و مفصل بر مثنوی از صاری عبدالله افندی (۹۲۲-۱۰۰۷ ق) که آن را در پنج جلد و ۲۲۵۰ صفحه تدوین کرده است. وی ابیات مثنوی را از همان آغاز دفتر اول مصرع به مصرع و گاه بیت به بیت شرح می‌کند و بحث درباره موضوعات مختلف شاعران صوفی و ذکر اشارات و تلمیحات قرآنی و حدیثی از ویژگی‌های این شرح است. ۶۱ نیکلسون از این شرح به اثری پر اطناب یاد می‌کند و در شرح خود از آن استفاده کرده است. ۶۱

۳۳. شرح مثنوی (ق ۱۱)

شرحی است ترکی بر مثنوی از ششمی که پس از شرح سروری قدیمی‌ترین شرح ترکی به حساب می‌آید. شارح این شرح را در سال ۹۹۵ ق به فرمان سلطان مراد سوم آغاز کرده و در سال ۱۰۰۹ ق به پایان برده است. دفتر ششم آن به علت مرگ سلطان مراد هفت سال به تعویق افتاده است. این شرح در بین صوفیان شهرت فراوانی داشته است، با وجود آنکه اغلاط و اشتباهات زیادی در آن یافت می‌شود و پاره‌ای از آنها را انقروی در شرح خود متذکر شده است. ۶۲

۳۴. شرح مثنوی (ق ۱۱)

سودی، شارح مشهور دیوان حافظ، از مردم بوسنی شرحی به زبان ترکی بر مثنوی نوشته است که چندان شهرت و اعتباری به دست نیاورده است. شارح به آموزش غلامان در کاخ ابراهیم پاشا مشغول بوده و از این راه امرار معاش می‌کرده و سرانجام به سال ۱۰۰۰ یا ۱۰۰۵ در گذشته است. ۶۳

۳۵. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۲)

شرحی است بر مثنوی از شاه فقیر بن عبدالرحمن شکارپور سندی (۱۱۰۰-۱۱۹۵ ق) از شارحان و نویسندگان افغانی الاصل قرن دوازدهم که علاوه بر این شرح آثار دیگری از خویش به جای گذاشته است که از آن میان عبارت‌اند از: مکتوبات به فارسی و عربی، فتوحات الغیبیه فی شرح عقائد الصوفیه، وثیقه الاکابر، فیوضات الهیه، قطب الارشاد یا مدارج عالیه، طریق الارشاد. ۶۴

۴۰. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۲)

منزوی این شرح را از عبدالله ملتانی (متولد ۱۱۱۲ ق) دانسته، چون تاریخ نسخه‌ای که در کتابخانه لاهور باقی است، ۱۱۳۸ ق در عهد محمدشاه ثبت شده است. ۶۹

۴۱. حیات المعانی (ق ۱۲)

شرح منظومی است بر مثنوی معنوی از ملا جیون سیالکوتی که آن را در زمان حکمرانی اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۸۰ ق) به دستور محمد عزیزخان از نزدیکان آن پادشاه نوشته است؛ ظاهراً از این شرح به نام‌های ایضاح المعانی و ارشاد نیز یاد شده است. ۷۰

۴۲. شرح مثنوی (ق ۱۲)

شرحی است بر مثنوی از شاه بهلول برکی جالندهری بخارایی (م ۱۱۷۰ ق) که از نویسندگان و شارحان شبه قاره به حساب می‌آید. پدرش اوحدالدین میرزاخان بخارایی نیز مردی عالم و نویسنده بوده است و دو کتاب از او به نام‌های نثر الجواهر و نظم الدرر و المرجان ذکر شده است. شارح نیز آثار دیگری غیر از این شرح دارد که عبرت‌انداز: شرح دیوان صائب، شرح دیوان علی کشمیری، شرح دیوان حافظ، دیوان بهلول، شرح دیوان ناصرعلی، عقاید علیمه در مذهب صوفیه، فوائد فی علم العقائد. ۷۱

۴۳. مراد المثنوی (ق ۱۲)

شرحی است بر دفتر چهارم مثنوی از مرادعلی بن عبدالعزیز بخارایی که آن را در ۴۱۷ صفحه نوشته است. این شارح در قرن دوازدهم زندگی می‌کرده و شرح او به خط میر سید سجاد حسینی کاظمی به تاریخ ۱۱۹۴ ق کتابت شده است. ۷۲ اطلاعی بیش از این در دست نیست.

۴۴. حل مثنوی معنوی (ق ۱۲)

شرحی است بر برخی از ابیات دشوار مثنوی از امام عبدالعزیز بن شیخ علی محمد بن ملاخداد که زمان اعتکاف در مسجد جامع پادشاهی اسلام آباد نوشته است. تنها نسخه خطی آن به خط نستعلیق در سال ۱۱۴۶ ق در ۲۸۰ صفحه نوشته شده است و در کتابخانه ااتک مکهد پاکستان نگهداری می‌شود. ۷۳

۴۵. مخزن الاسرار (ق ۱۲)

شرحی است از عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی (م ۱۱۴۳ ق) که از صوفیان قرن دوازدهم بوده و کتاب عقد اللؤلؤیه او مشهور است. ۷۴ گولپینارلی تنها از شرح وی بر دیباچه مثنوی با نام کتاب الصراط السواوی فی شرح دیباچه المثنوی نام می‌برد. ۷۵

۴۶. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۲)

محمدزاهد معروف به درویش که از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. از شرح چنان بر می‌آید که شارح با اصطلاحات و رموز عرفانی آشنا بوده و شروح شارحان دیگر را دیده، چرا که شارح گاه به نقل و گاه به نقد نظر شارحان دیگر پرداخته است. تنها یک نسخه از آن در کتابخانه ملی وجود دارد که شرح دفتر دوم و سوم مثنوی است و دارای ۸۶ برگ است. احتمالاً این شرح در قرن دوازدهم نوشته شده است. ۷۶

۴۷. اسرار الغیوب (ق ۱۲)

شرحی است بر ابیات دشوار مثنوی و مشکلات تمام مثنوی که در سال ۱۱۲۰ ق به قلم خواجه ایوب صفوی پارسای لاهوری (م ۱۱۵۵ ق) در پاکستان نگاشته شده است. استاد فروزانفر در مقدمه شرح مثنوی شریف آن را معرفی کرده است. ۷۷

۴۸. مخزن الاسرار (ق ۱۲)

از شروح مشهور مثنوی است که به سال ۱۱۴۰ ق در هندوستان نوشته شده است و به شرح اکبرآبادی نیز معروف است. شارح در این شرح از شروح قبل از خود استفاده کرده و از آنها یاد نموده است. این شرح در سال ۱۳۱۲ به صورت سنگی در لکهنو به چاپ رسیده است و فروزانفر و نیکلسون در شروح خود از آن استفاده کرده‌اند. ۷۸

۴۹. روح المثنوی (ق ۱۲)

از شروح معروف ترکی است که مورد استفاده نیکلسون نیز بوده است. شارح ۷۳۸ بیت از دفتر اول مثنوی را به تفصیل

۶۹. رک: منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های پاکستان، ص ۱۶۶۷.

۷۰. شاه داهی، شرح مثنوی معنوی، مقدمه، ص ۱۵؛ رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۶۵.

۷۱. رک: فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ص ۱۵۷۶ و ۱۶۴۰؛ نیز: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۶۵-۶۶.

۷۲. منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ص ۱۶۵. ۷۳. همان، ص ۱۶۵.

۷۴. رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۶۶.

۷۵. گولپینارلی، مولوبه بعد از مولانا، ترجمه توفیق ه. سبحانی، ص ۱۹۳ و ۲۴۵.

۷۶. انوار، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ج ۵، ص ۲۰۰۱ (کتابخانه ملی ایران، تهران، ۱۳۶۵).

۷۷. رک: فروزانفر، شرح مثنوی شریف، مقدمه.

۷۸. جهت تفصیل بیشتر رک: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۹۴-۹۵.

شرح کرده است. هر چند این شرح ناقص است، اما مورد توجه شارحان بعد قرار گرفته است. مؤلف در قرن یازدهم و دوازدهم (۱۰۶۳-۱۱۳۷ ق) می زیسته و اثرش در سال ۱۲۸۷ ق در استانبول به چاپ رسیده است.^{۷۹}

۵۰. متن و شرح مثنوی (ق ۱۳)

حاشیه ای مفصل بر مثنوی است که به قلم شارحی هندی به نام حاج امدادالله مهاجر مکی (م ۱۳۱۷ ق) نوشته شده است و اول بار در کانپور هند به سال ۱۲۷۰ ق در هفت جلد به چاپ رسیده است. شارح از برخی شروح قبل از خود نیز استفاده کرده است و می گوید که این شروح را به امر مولانا احمد حسن نوشته است.^{۸۰}

۵۱. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۳)

شرح مختصری بر مثنوی مولاناست که به همت حامدبن ملاهلی بیسارانی تألیف شده است. شارح از شاگردان و مریدان عثمان ثانی بوده و سی سال در خدمت او به طی مراحل تصوف اشتغال داشته است و این شرح را نیز به درخواست فرزندان مرشدش در سال ۱۲۸۱ ق شروع کرده است. نسخه ای از این شرح در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی است که تا نیمی از دفتر پنجم شرح شده است. این نسخه دارای ۴۲۱ صفحه و به خط مؤلف است.^{۸۱}

۵۲. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۳)

شرح منظومی است از آخوند ملا محمدعلی نوری (م ۱۲۵۲ ق) از علمای امامیه و از عرفای قرن سیزدهم که نسخه ای از آن در کتابخانه ملک وجود دارد. شارح ۱۲۵ بیت از مثنوی را با ۷۲۵ بیت از اشعار خود (به ازای هر بیت، پنج بیت) شرح کرده است.^{۸۲}

۵۳. دفع شبهات (ق ۱۳)

از شخصی به نام دیارام (ظاهرأ متولد ۱۲۰۴ ق) که منزوی بدان اشاره کرده است. در واقع نامه او به شخصی به نام سید کرم علی است و در آن کوشیده به برخی شبهات مردم در برخی سروده های مثنوی پاسخ دهد. از شارح اطلاع زیادی در دست نیست. منزوی اشاره کرده وی از گردآوردندگان کتاب اشارات صاحب از سیدفتح علی حسینی معروف به فتح الله گردیزی (م ۱۲۲۴ ق) است.^{۸۳}

۵۴. شرح مثنوی وقار (ق ۱۳)

شرحی است شش جلدی (در سه مجلد) که با مقدمه محمد الهی بخشی در سال ۱۲۹۰ ق در مطبعه نولکشور لکهنو چاپ شده است. شاعری به نام یا تخلص «وقار» زندگی مولوی را به

شعر سروده است که در همین شرح چاپ شده است.^{۸۴}

۵۵. شرح بیتین مثنوی یا فی نامه (ق ۱۳)

شرحی است بر دو بیت آغازین مثنوی که درویش محمد قادری آن را نوشته است و احمد منزوی در فهرست مشترک آن را جزء مکتوبات سده سیزدهم ق آورده است و محمد نذیر رانجها از وجود آن در موزه کراچی خبر داده است.^{۸۵}

۵۶. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۳)

گزارشی است منظوم بر هیجده بیت آغاز مثنوی از خالص طالبانی فهارانی قادری، عبدالرحمان مفوض بالله، فرزند شیخ احمد، فرزند شیخ محمود که آن را در سال ۱۲۵۰ ق به درخواست عده ای از درویشان فراهم ساخته است. شارح نخست دیباچه ای به نثر می آورد و سپس با ۲۷۱ بیت شعر فی نامه مولوی را شرح و گزارش می کند.^{۸۶}

۵۷. مفتاح المعانی (ق ۱۳)

این شرح در واقع حاشیه ای است بر مثنوی از شاه عبدالفتاح حسینی عسگری (م ۱۳۰۹ ق) که در سال ۱۲۹۳ ق در بمبئی به چاپ رسیده است.^{۸۷}

۵۸. شرح مثنوی معنوی (ق ۱۳)

شرحی است منظوم بر قسمتی از دفتر اول مثنوی مولانا (تا آغاز قصه شاه و کنیزک) که آن را سردار مهردل خان محمدزایی قندهاری که در کراچی می زیسته، سروده است. این شرح در پایان سده سیزدهم ق نوشته شده است.^{۸۸}

۵۹. شرح بیتین از مثنوی (ق ۱۳)

گزارشی است بر بیت زیر از مثنوی:

۷۹. همان، ص ۷۸.

۸۰. ر.ک: ماندانا صدیق بهزادی، کتابنامه مولوی، ص ۱۴ (چاپ اول، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی آموزشی، تهران، ۱۳۵۱)، رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۶۷.

۸۱. سیداحمد حسینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۱۰، ص ۳۷۶.

۸۲. لغت نامه دهخدا، ذیل «نور محمدعلی»، نیز: منزوی، فهرست مشترک نسخه های خطی، ج ۲، ص ۸۱۰.

۸۳. ر.ک: منزوی، فهرست مشترک نسخه های خطی پاکستان، ص ۱۶۵۳.

۸۴. ماندانا صدیق بهزادی، کتابنامه مولوی، ص ۱۴.

۸۵. شاه داعی، شرح مثنوی معنوی، مقدمه، ص ۲۲.

۸۶. منزوی، فهرست مشترک نسخه های خطی پاکستان، ج ۲، ص ۱۱۲۵۵؛ نیز: رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۶۹.

۸۷. ماندانا صدیق بهزادی، کتابنامه مولوی، ص ۱۵.

۸۸. رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۶۹.

چون که بی رنگی اسیر رنگ شد

موسی ای با موسی ای در جنگ شد

که آن را سید صدرالدین کاشف دزفولی کرمانشاهی متخلص به کاشف (م ۱۲۵۸ ق) شرح کرده است.^{۸۹}

۶۰. فتوحات معنوی (ق ۱۳)

از شروح معروف هندی است که در قرن سیزدهم به قلم عبدالعلی محمد بن نظام الدین محمد سهالوی معروف به بحر العلوم (م ۱۳۲۵ ق) به نگارش درآمده است و در سال ۱۲۹۳ ق به صورت سنگی در لکهنو به چاپ رسیده است که نسخه ای از آن در ایران موجود است و خانم آن ماری شیمل آن را بهترین دیباچه و راهنمای الهیات مولوی دانسته است.^{۹۰}

۶۱. شرح اسرار (ق ۱۳)

از آثار عارف بزرگ و فیلسوف و حکیم برجسته قرن سیزدهم ق حاج ملاهادی سبزواری (م ۱۲۹۰ ق) است. شارح کوشیده مثنوی را با موازین حکمت و شریعت تفسیر کند و در واقع پیوندی بین افکار مولوی و مکتب ملاصدرا (صدر المتألهین) به وجود آورد. این شرح به کوشش مصطفی بروجردی و همت انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سه جلد و در تهران چاپ شده است.^{۹۱}

۶۲. المنهج القوی (ق ۱۳)

مشهورترین تفسیر مثنوی به زبان عربی است که شارح آن یوسف بن احمد مولوی در قرن سیزدهم می زیسته و در سال ۱۲۸۹ ق در مصر به چاپ رسیده است. شارح نخست تمام ابیات مثنوی را به زبان عربی برگردانده و سپس به شرح ابیات پرداخته است. شارح در این شرح از فائق الابیات استفاده فراوان برده و گویا ترجمه گونه ای از آن است.^{۹۲}

۶۳. شرح مثنوی (ق ۱۳)

شرحی کامل و مختصر و موجز بر مثنوی به زبان ترکی از شیخ مراد بخاری (م ۱۲۶۵ ق) از علمای بزرگ قرن سیزدهم است. شارح از پیروان طریقت نقشبندی و همچنین «خمرویه» بوده است و به تدریس مثنوی مشغول بوده و شرح خود را از سال ۱۲۵۵ ق آغاز کرده و تا حدود سال ۱۲۶۷ ق به پایان برده است.^{۹۳}

۶۴. ترجمه و شرح مثنوی (ق ۱۳)

شرحی است بر مثنوی به ترکی از عابدین پاشا (م ۱۲۵۹ ق) از اهالی پروز و برای تقدیم به دربار در یک جلد تدوین شده است. نخستین بار به سال ۱۸۸۶ م (۱۲۸۶ ق) در مجله ای نفیس در مطبعه سیواس چاپ شده است و بار دیگر در شش جلد در استانبول

به چاپ رسیده و نیکلسون از آن استفاده کرده است.^{۹۴}

۶۵. ره آورد مثنوی (ق ۱۴)

شرح مختصری است بر ابیات مشکل شش دفتر مثنوی که به ذوق و نظر حاج میرزا محسن عماد اردبیلی (م ۱۳۳۲ ق) انتخاب و شرح شده است. این کتاب به سال ۱۳۵۶ از سوی انتشارات عطایی در تهران به چاپ رسیده است.

۶۶. شرح مثنوی (ق ۱۴)

از شروح معاصر ترکی است که به قلم احمد عونق قنق (م ۱۳۵۷ ق) نوشته شده است و به سیاق آرای ابن عربی به خصوص نظریه وحدت وجودی شرح شده است. گولپینارلی درباره آن گفته: «اگرچه شرحی بهتر از شارحان دیگر بر مثنوی فراهم آورده، اما از آنجا که وی نیز منابع عمده را مد نظر قرار نداده و گاه به تعبیر فنی سخنان مولوی پرداخته، لذا شرح وی هم نمی تواند ماهیتی علمی عرضه کند».^{۹۵}

۶۷. مثنوی در سلوی^{۹۶} (ق ۱۴)

شرحی است از مولوی طاهر اولغون (م ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ ق) مدرس مسجد جامع سلیمانیه که سال ها در آنجا به تدریس مثنوی پرداخته است. این شرح که در واقع تقریرات اوست و بیشتر دفتر اول را در بردارد، به صورت «درس هایی از مثنوی» در سال های ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ به چاپ رسیده است.^{۹۷}

۶۸. مفتاح العلوم مولانا (ق ۱۴)

شرحی است به زبان اردو بر مثنوی از مولانا میرزا محمدنذیر نقشبندی مجددی که در سال ۱۳۴۴ ق در لاهور پاکستان به

۸۹. منزوی، فهرست مشترک، نسخه های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۲۲۳.

۹۰. رک: آن ماری شیمل، شکوه شمس، ص ۵۲۶.

۹۱. برای تفصیل بیشتر به ملاهادی سبزواری، مقدمه شرح اسرار، ج ۱ مراجعه شود (به کوشش مصطفی بروجردی، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران).

۹۲. رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۹۹.

۹۳. گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، ترجمه توفیق ه. سبحانی، ص ۱۸۸.

۹۴. رک: نیکلسون، شرح مثنوی معنوی، ص ۵۱.

۹۵. گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، توفیق ه. سبحانی، ص ۱۸۹؛ نیز: گولپینارلی، فخر و شرح مثنوی (ترجمه توفیق ه. سبحانی،

ص ۴۲، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱).

۹۶. به معنای درس هایی از مثنوی.

۹۷. رک: گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، ص ۱۸۹؛ نیز: ماندانا صدیق بهزادی، کتابنامه مولوی، ص ۵۱.

چاپ رسیده است. یک نسخه از آن در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان وجود دارد.^{۹۸}

۶۹. ترجمه و حاشیه مثنوی (ق ۱۴)

این ترجمه به زبان اردو به همراه حاشیه آن در سال ۱۳۹۴ به همت قاضی سجاد حسین دهلوی تألیف شده و نخست در سال ۱۳۹۶ ق در دهلی و بعد در پاکستان به چاپ رسیده است و نیز مرکز تحقیقات ایران و پاکستان آن را به سال ۱۳۸۹ ق به چاپ رسانده است.^{۹۹}

۷۰. اسرارالعلوم مولوی (ق ۱۴)

شرحی است منظوم بر مثنوی به زبان پشتو که آن را مولوی عبدالجبار بنکش قاضی کرم پارا چنار ساکن هنگو به نظم درآورده است. تاریخ تألیف مشخص نیست. یک نسخه از آن در کتابخانه پیشاور در ۱۵۲ صفحه به تاریخ کتابت ۱۳۴۱ ق وجود دارد.^{۱۰۰}

۷۱. تفسیر مثنوی (ق ۱۴)

شرحی است بر قسمتی از مثنوی از پیر امام شاه (م ۱۳۲۹ ق) که به زبان پنجابی به نظم سروده است.^{۱۰۱}

ب) شروح ناشناخته (ق ۱۰-۱۳)

۱. شرحی بر دفتر اول مثنوی و متعلق به قرن دهم که در پایان آن حکایاتی در باب اهمیت مثنوی و دلایل سرودن آن به زبان فارسی آمده و از زبان فارسی دفاع نموده است.^{۱۰۲}

۲. شرح مثنوی که در ۹۸۴ ق به قلم کاتب رضوان محمد رومی تحریر یافته است.^{۱۰۳}

۳. شرح بعضی از اشعار مثنوی که آن هم در سال ۹۸۴ ق کتابت شده و شارح آن مشخص نیست.^{۱۰۴}

۴. گزارشی بر دفتر اول مثنوی که در قرن دهم ق کتابت شده است.^{۱۰۵}

۵. شرح مفصل بر مثنوی که تنها دفتر ششم آن برجای مانده و در سال ۹۸۱ ق به پایان رسیده و مؤلف آن نامشخص است.

یک نسخه ناقص از آن در کتابخانه مرعشی نجفی وجود دارد.^{۱۰۶}

۶. شرحی است بر شش دفتر مثنوی که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های پاکستان: اسلام‌آباد، کراچی، اوچ و... موجود است. در نسخه کتابخانه اوچ این شرح در دو مجلد تنظیم شده است: دفتر اول و دوم در یک جلد و چهار دفتر دیگر در جلدی دیگر قرار دارد. در پایان دفتر پنجم تاریخ کتابت آن سال ۱۰۵۱ ق ثبت شده است. شارح در این شرح کوشیده است ابیات

دشوار تمام مثنوی را شرح و گزارش کند.^{۱۰۷}

۷. شرحی است که تمام جلد سوم آن در ۷۶۰ صفحه باقی است. گویا این شرح شرح تمام مثنوی بود که یک جلد آن در کتابخانه نذیر احمد و علی احمد صاحبان نگهداری می‌شود.^{۱۰۸}

۸. شرحی است شش صفحه‌ای بر بیتی از مثنوی از دفتر ششم آن:

بت ستودن بهر دام هامه را
همچنان دان کالغرائیق العلی

یک نسخه از این شرح در کتابخانه «بهاولپور» وجود دارد و شارح آن ناشناخته است.^{۱۰۹}

علاوه بر معرفی و نقد و تحلیل مثنوی تألیف رضا شجری که خود تحقیقی ارزشمند و عالمانه است و همچنین مقدمه شرح مثنوی معنوی شاه داعی شیرازی که به معرفی برخی شروح پرداخته است، خانم ماندانا صدیق بهزادی در تحقیق پراچ خود که اخیراً با عنوان کتاب شناسی مولوی تجدید چاپ شده است، از صفحه ۴۷۷-۵۱۶ به معرفی نسخ خطی موجود از شروح کهن مثنوی پرداخته‌اند که ذکر هر کدام گذشت.



۹۸. رک: شاه داعی، شرح مثنوی معنوی، مقدمه، ص ۲۶.

۹۹. همان.

۱۰۰. رضا شجری، معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، ص ۸۰.

۱۰۱. همان، ص ۸۰-۸۱.

۱۰۲. منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۲۵۶.

۱۰۳. همان.

۱۰۴. همان.

۱۰۵. همان.

۱۰۶. سیداحمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۱۰۲۸.

۱۰۷. منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ج ۲، ص ۱۶۵۵.

۱۰۸. همان، ص ۱۶۲۵.

۱۰۹. همان، ص ۱۶۵۷.

